



Reza Afshari

Corresponding author: Reza Afshari; MD
E-mail: afsharir@mums.ac.ir

سواد سلامت در ایران باستان: نگاهی به آثار پزشک شاعر تاریخ ایران؛ خاقانی شروانی

Health Literacy in Ancient Iran: A Medical Glance at the Masterpieces of the Poet Physician of the Ancient Iran; Khaghani Shervani

دکتر رضا افشاری

سر دبیر مجله نظام پزشکی مشهد، مشهد، ایران
عضو فرهنگستان علوم پزشکی ایران، فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

ABSTRACT

The rich Persian literature is the reflection of thoughts, customs, traditions, culture, anthropology and natural science in Iran. Poets and writers of this country, respected as intellectuals and philosophers, had the knowledge of different aspects of science such as astronomy, medicine, botany, etc. which has been portrayed in their writings and masterpieces. The available medical texts mainly include classic medical sources that are developed during the rapid expansion of science in the past three centuries in the West. Recently, interest in scientific resources of traditional medicine has dramatically increased in Iran. In addition to the traditional books in medicine, Persian literature also contain a treasure trove of medical sciences, which at the specialized level may represent the unexplored parts of traditional Persian medicine; and moreover, the panoramic mirror of medical and "health literacy" of their own time. In this paper, the artistic use of literature for public health education by Khaghani-Shervani, who was the greatest Iranian poet familiar with medicine, was investigated. Because of application of his deep medical knowledge in the poems, Khaghani's poetry was difficult to understand by lay people. It is hoped that by the attention of Iranian experts and physicians, the icons of Persian medical history become more introduced to the next generation of medical community, so that it will be possible to strengthen the philosophy of being a physician and expand the link between medical sciences and general to augment health literacy.

Keywords: Health Literacy; Iran; Medical Education; Textbooks

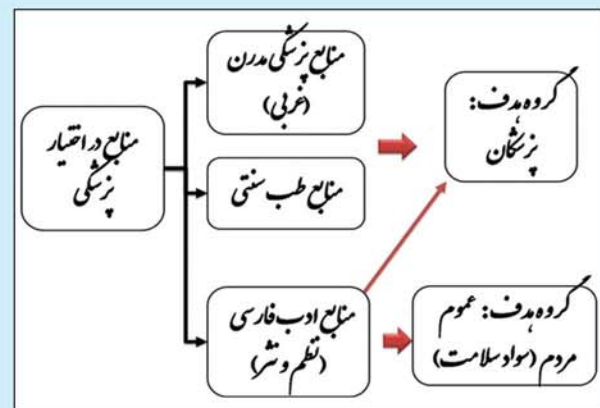
چکیده

پهنه ادبیات غنی پارسی با زتاب اندیشه‌ها، آداب، رسوم، فرهنگ و علوم انسانی و طبیعی ایران زمین است. شاعران و نویسندگان این مرز و بوم، در قالب حکما، به علوم مختلف از جمله اخترشناسی، پزشکی، گیاهشناسی و... آگاهی داشته و آن را در آثارشان نمایانده‌اند. امروزه منابع در اختیار علم پزشکی، به صورت عمده از منابع پزشکی کلاسیک و مستند به پیشرفت سریع علوم در سه قرن گذشته در دنیای غرب است. اخیراً اقبال به منابع علمی طب سنتی در ایران افزایش چشمگیری یافته است. جز این موارد، کتب ادب پارسی نیز حاوی گنجینه ارزشمندی از مطالب علمی پزشکی زمان خود هستند که در سطح تخصصی نماینده بخش نامکشوف پزشکی سنتی بوده و علاوه بر آن، آینه تمام‌نمای سواد سلامت و پزشکی در دوران خود می‌باشند. در نوشتار حاضر، بهره‌گیری ادیبانه و هنرمندانه خاقانی شروانی، که بیش از همه شعرای ایران زمین، با پزشکی مأنوس بوده است، از این ظرفیت مورد بررسی قرار گرفته است. بواسطه تبلور دانش بالای خاقانی در اشعارش، نوشته‌های او به سختی درک شده‌اند. امید است به لطف و دقت نظر استادان و همکاران ارجمند جامعه پزشکی، اسوه‌های تاریخ پزشکی ایران بیش از پیش شناسانده شوند تا با رعایت احترام متقدمین و استفاده از مفاهیم ساخته ایشان، بتوان فلسفه پزشک بودن را در ذهن تازه واردان جامعه پزشکی تحکیم کرد و حلقه اتصال دانش پزشکی و عموم مردم - سواد سلامت عمومی - را گسترش داد.

کلیدواژگان: سواد سلامت؛ ایران؛ آموزش پزشکی؛ کتابهای مرجع

مقدمه

پهنه ادبیات غنی پارسی بازتاب اندیشه‌ها، آداب، رسوم، فرهنگ و علوم انسانی و طبیعی ایران زمین است. شاعران و نویسندگان این مرز و بوم، در قالب حکما، به علوم مختلف از جمله اخترشناسی، پزشکی، گیاه‌شناسی و... آگاهی داشته و آن را در آثارشان نمایانده‌اند.^{۱،۲} امروزه منابع در اختیار علم پزشکی، به صورت عمده از منابع پزشکی کلاسیک و مستند به پیشرفت سریع علوم در سه قرن گذشته در دنیای غرب است. اخیراً اقبال به منابع علمی طب سنتی در ایران افزایش چشمگیری یافته است. مؤلف معتقد است که مستقل از این دو دسته منابع علمی، کتاب‌های ادب پارسی نیز حاوی گنجینه ارزشمندی از مطالب علمی پزشکی زمان خود هستند که در سطح تخصصی نماینده بخش نامکشف پزشکی سنتی بوده و علاوه بر آن، آیین تمام‌نمای سواد سلامت و پزشکی در دوران خود می‌باشند (نمودار ۱). خاقانی که بیش از همه شعرای ایران زمین، با پزشکی مانوس بوده است، نماد منحصر به فرد این فرآیند است. در این راستا، پژوهش و نوشتاری - زیر نظر استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد رضا راشد - در دست تهیه است که بخش‌هایی از آن در این مقاله آورده شده‌اند.



نمودار ۱. منابع علمی در اختیار علم پزشکی

انسان است. شناخت چیستی و هویت انسان در این علم مورد توجه است.^۳ از سوی دیگر آنتروپولوژی توصیف عملکرد جوامع در سراسر جهان است. انسان‌شناسی زبان‌شناختی (Linguistic) به ویژه به دنبال درک فرآیندهای ارتباطات انسانی، کلامی و غیر کلامی، تنوع در زبان در زمان و مکان، استفاده‌های اجتماعی از زبان و رابطه بین زبان و فرهنگ است. بر این مبنا، تجزیه و تحلیل گفتمان‌ها (Discourse analysis) و روایت‌های رایج (Narrative analysis) امکان مداخله در ارتقای سواد سلامت عمومی را فراهم خواهد آورد. در پژوهش فوق‌الذکر هدف بر این است تا برای اولین بار با استفاده از هنر ادبیات، آنتروپولوژی و سلامت را در حوزه زبان فارسی امتزاج داد.

زندگی‌شناسی خاقانی

افضل‌الدین بدیل بن علی نجار شروانی، متخلص به خاقانی، معروف‌ترین شاعر قرن ششم و از نام‌آوران شعر فارسی، در سال ۵۲۰ ه. ق. (۱۱۲۶ میلادی) در شروان به دنیا آمد و در سال ۵۹۵ ه. ق. (۱۱۹۸ میلادی) درگذشت و در مقبره‌الشعرا تبریز مدفون است. پدر خاقانی، پیشه نجاری داشته و مادرش، نسطوری تازه مسلمان و پیشه‌اش آشپزی بوده است. نخستین معلم و مربی وی عمویش، کافی‌الدین عمر بن عثمان، صاحب فضل در عربی، طب، نجوم، فلسفه و ادب بود و پس از فوت وی، ابوالعلاء گنجوی تعلیم وی را بر عهده گرفت. «افضل‌الدین» و «حسن‌العجم» از القاب وی هستند.^۵ خاقانی، دینداری است که به همه اصول و قواعد شرع مقدس اسلام اعتقاد دارد و بیش از همه شاعران، درباره پیامبر اسلام و در وصف کعبه شعر گفته است. نیز، به دلیل نسطوری بودن مادر و بزرگ شدن در محیط مسیحیت بیشتر از شاعران دیگر به آیین و اصطلاحات دین مسیح در اشعارش اشاره کرده است.

آثار خاقانی شامل دیوان اشعار، شامل حدود هفده هزار بیت، منتشر شده به کوشش دکتر سید ضیاء‌الدین سجادی؛ تحفه العراقرین شامل سه هزار بیت، چاپ شده به تصحیح دکتر یحیی قریب در تهران؛ منشآت خاقانی که مجموعه نامه‌های نوشته شده وی به بزرگان زمان خود است و به کوشش آقای محمد روشن در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده و یک مثنوی کوتاه موسوم به ختم الغراب که منسوب به وی است و نسخه‌ی منحصر به فرد آن با مقدمه‌ای به کوشش دکتر سیدضیاء‌الدین سجادی در کتاب فرهنگ ایران زمین به چاپ رسیده است.

در اهمیت عقل و خرد

آنچه که از نگاه خاقانی آدمی را برجسته می‌نماید، عقل و خرد است؛ به این سبب، گاه خرد به تنهایی در اشعار وی استعاره‌ای از آدمی و گاه، منظور عقل اول می‌باشد که به گفته پیامبر «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ»: «نخستین چیزی که خداوند آفرید عقل بود».^۶

با عقل پای کوب که پیریست ژنده پوش

بر فقر دست کش که عروسبست خوش لقا^۷

^۷ به سبب عقل، بسیار شادمان باش که همچون پیر ژنده‌پوشی است که زیبایی‌های دروغین و ناپایدار دنیا را خوار می‌دارد

در اهمیت آموزش و آموزگاری

آنکه خرد و دانش را می‌ستاید به طور حتم ستایشگر آموختن و آموزگاری هم هست؛ چرا که این هر دو نتیجه و دستاورد آن دو است و از هم جدایی‌ناپذیرند.

سواد سلامت

سواد سلامت بنا به تعریف، به معنی توانایی برای بدست آوردن، درک و استفاده از اطلاعات برای تصمیم‌گیری بهداشتی و درمانی مناسب و ادامه دستورهای درمانی است.^۸ مطالعات نشان می‌دهد که تا نیمی از بیماران نمی‌توانند اطلاعات عمومی بهداشت و درمان را درک کنند. لذا سواد سلامت پایین، موفقیت درمان را کاهش و خطر ابتلا به خطاهای پزشکی را افزایش می‌دهد. استفاده از مفاهیم ساده ادبی در سطح عموم، می‌تواند به ارتقای سواد سلامت (Health literacy) کمک کند. بعلاوه با طرح مداخلات مختلف، از جمله ساده‌سازی اطلاعات در قالب تصاویر، مطالب ادبی و واژه‌ها، می‌توان سواد سلامت را بهبود و نابرابری‌های سلامت را کاهش داد.

انسان‌شناسی

انسان‌شناسی یا آنتروپولوژی (Anthropology) مطالعه ویژگی‌های

در دبستان روزگار، مرا

روز و شب، لوح آرزو به بر است
در بیتی دیگر، انسان با دانش آفرینش، مکتب‌خانه‌ای را آراسته
است که نوح، شاگرد ممتاز و جانشین حق در کنار روح الهی قرار
گرفته است:

علمِ چهل صبح را مکتبی آراسته

روحِ مثاله نویس، نوحِ خلیفه کتاب

در اهمیت پزشکی و پزشکی

خاقانی در اشعار خود از پزشکان، نسخه و پانچ (حق القدم) آنها، دارو و نشتر (مخفف نبشتر، وسیله رگ‌زدن)، ترسا و خط ترسا (خطی یونانی است که از چپ به راست نوشته می‌شده است؛ مانند خط لاتین در پزشکی امروزی) یاد کرده‌است که بیانگر میزان اهمیت این موارد از نگاه خاقانی است. در توضیح واژه پانچ، دانستن این نکته ضروری است که در گذشته گاهی بجای مراجعه بیماران شدید به پزشک، پزشکان بر بالین بیماران حاضر می‌شده‌اند؛ خاصه زمانی که بیمار قدرت حرکت و یا امکان رفتن نزد پزشک را نداشته است (مکانی برای بستری نظیر بیمارستان معمول نبود).

خط در پزشکی: خاقانی خط طبیب را در اشعارش مورد توجه قرار می‌دهد. برخی از پزشکان کهن از ترسایان بوده‌اند؛ کسانی مثل خاندان بُختیشوع که ترسایانی ایرانی و پزشکانی نامدار در دربار خلفای عباسی بودند. بنابراین، در بیت ذیل می‌توان نزدیکی میان خط امروزی پزشکان با خط طبیبان ترسایی گذشته را دید:

اثر عود صلیب و خط ترساست خطا

ور مسیحید که در عین خطایید همه
سوگند پزشکی: نمود عملی سوگند پزشکی آن است که طبیبان برای بهبود بیمار از هیچ کاری مضایقه نکنند، حتی با نادیده گرفتن آسایش خود:

تا چک عافیت از حاکم جان بستانید

خط بیزاری آسایش و خور باز دهید

* همان چک امروزی است که الشیک معرب آن است.

در واقع، سوگند پزشک با خون وی امضا می‌شود؛ به این سبب نباید از هیچ کاری برای نجات جان بیمار دریغ کند:
خط به خون باز همی داد طبیب از پی جان

جان برون شد، چه جوابی است؟ خوش ار باز دهید
خاقانی از حرفه پرستاری نیز یاد کرده است. در گذشته «بیمار پرست» معادل پرستار بوده است:
هدیه پانچ طبیبان به میانجی بنهید

خواب بیمارپرستان به سهر باز دهید*

* مزد طبیبان را بدهید و نگذارید تیمارگران بیمار بخوابند. شهر به معنای بیدار ماندن

تقسیمات و طبایع بدن

در یکی از مدرسه‌های معتبر پزشکی گذشته، بدن را به هفت عضو تقسیم می‌کرده‌اند، بدین صورت که به اعتبار ظاهر: سر، سینه، پشت، دو دست و دو پا و به اعتبار باطن: دماغ، دل، جگر، سپرز (طحال)، شش، زهره (کیسه صفرا) و معده که خاقانی نیز به آنها اشاره کرده است:
نمازی نیست اگر چه هفت دریا اندرون دارد

کسی کاندر پرستش هست هفت اندام کسلانش*

* کسی که طاهر و لایق عبادت نیست با هفت آب (نماد پاک‌کنندگی هر چیز) هم پاک نمی‌شود.

این نامه هفت عضو مرا هفت هیکل^(۱) است

کایمن کند ز هول سیاع^(۲) و شر هوام^(۳)

^(۱) هفت دعاست مخصوص هر روز هفته که خواندن آن موجب امن و سلامت است.

^(۲) هول سیاع: ترس درندگان

^(۳) هوام: گزندگان

همچنین، به چهار عضو دماغ، قلب و کبد و دو بیضه، «چهار رئیس» گفته می‌شده است.^۷

مباد کز پی خشنودی چهار رئیس

دو پادشاه* را در ملک خود بیازارم

* جان و خرد دو پادشاه سرزمین تن هستند.

در گذشته، مغز را دارای سه بخش و چشم را شامل هفت پرده می‌دانستند. سه بخش مغز یا همان سه ایوان دماغ، جایگاه اندیشه، پندار و یاد (فکر، خیال، حافظه) است. هفت حجله نور کنایه از هفت پرده چشم یعنی صلبیه، مشیمیه، شبکیه، عنکبوتیه، قرنیه و ملتحمه است.^۷

خاقانی به هشت بهشت و کوشکهای (بهو) آن که آدمی با توان مغزی خود به آنها می‌اندیشد و به پرده‌های چشم که مایه روشنایی دیده آدمی است، سوگند می‌خورد:^۶

به هشت بهو بهشت اندرین سه غرغه مغز

به هفت حجله نور اندرین دو حجره خواب*

* استعاره ای از دو چشم

بعلاوه، پیشینیان به ۴ طبع (گرمی، سردی، تری و خشکی) و اخلاط چهارگانه (سوداوی، دموی، بلغمی و صفراوی) اعتقاد داشتند:
ز عدل شاه که زد پنج نوبه* در آفاق

چهار طبع موافق شدند جفت وفاق

* پنج نوبه زدن: در زمان سلاطین گذشته در هنگام پنج وقت نماز، تقاره می‌زده‌اند که نشانه اعلام پادشاهی بوده و در دوره‌هایی در عصر اسلامی به اوقات نماز اختصاص یافته است.

و بدن از ترکیب متعادل چهار طبع، ترازمند می‌شود؛ همان‌طور که از ترکیب موسیقایی درست چهار سیم رباب (نوعی آلت موسیقی) نوایی دل‌انگیز و فرح‌بخش حاصل می‌شود:^۶

مِجس دست رباب* است ضعیف ار چه قوی است

چهار طبعش که به انصاف درآمیخته‌اند

* جای رگ و نبض (مجس) دست رباب، دسته و جای سیم‌های ساز.

خاقانی در کتاب خود به عملکرد جگر نیز اشاره داشته و جگر را مرکز تولید خون و عضو تغذیه‌کننده سایر اعضا معرفی کرده است.^۷
غذا از جگر پذیرد همه اعضا و لکن

غذا از دهان به یک ره به سوی جگر نیاید

انواع تب

تب دق: هر گاه حرارتی غیر از حرارت غریزی بدن در اطراف قلب پیدا شود و به سوی دیگر اندام‌ها رود، تب دق گویند:^۸
پرواز گرفت روز بر شب

تب های دق از نهران برافکنند

تب ربع: تب ربع یا تب چهار یک، تبی است که سه روز ببرد و روز

* شگفتی خاقانی از این است که زهر عقرب در اصل و سرشت، سرد است؛ اما او را گرفتار تب‌های گرم کرده است.

تب لرزه:

چون بلرزد عَلمٌ^(۱) اصبح و بنالد دَم کوس^(۲)
کوه را ناله تب لرزه چو دریا شنوند
انگشت ارغنون زَنِ^(۳) رومی به زخمه بر
تب لرزه تَنَاتَننا نا^(۴) برافکند
قدح لب کبود است و خم در خوی تب
چرا زخمه تب لرزه چندان نماید

(۱) پرچم

(۲) طبل بزرگ جنگی

(۳) نوعی ساز معادل ارگ امروزی

(۴) نوعی مقیاس برای موسیقی همانند نت‌های امروزی

نتیجه‌گیری

خاقانی این پزشک شهیر شاعر را بایستی بیش از پیش ارج نهاد. به واسطه تبلور دانش بالای او در اشعارش، نوشته‌های او به سختی درک شده‌اند. امید است به لطف و دقت نظر استادان و همکاران ارجمند جامعه پزشکی، اسوه‌های تاریخ پزشکی ایران بیشتر شناسانده شوند تا با رعایت احترام متقدمین و استفاده از مفاهیم ساخته ایشان، بتوان فلسفه پزشک بودن را در ذهن تازه‌واردان جامعه پزشکی تحکیم کرد و حلقه اتصال دانش پزشکی و عموم مردم - سواد سلامت عمومی - را گسترش داد، ان شاء الله.

چهارم برگردد.^۸ سرای زمین مانند پیری است که به تب ربع دچار شده و در تب لرزه و پریشان گویی به سر می‌برد.
رُبَع زمین بسان تب ربع برده پیر

از لرزه و هَزَاهِز در اضطراب شد
در تب ربع افتد سَبَع شِداد^(۱) از نهیب
تخت مُحاسب^(۲) شود قِمَّة^(۳) چرخ از غبار
تب ربع آمد، ایشان را که نامم

(۱) هفت آسمان

(۲) تخت محاسب؛ تخته‌ای بوده است پوشیده از خاک که شمارگر و اختر شناس بر آن رقم می‌زده است و این نوع محاسبه را محاسبه تخت و تراب می‌نامیده‌اند

(۳) بالای هر چیزی

تب سرد: تبی که لرزه اندام و اضطراب را به همراه می‌آورد؛ ایشان ز رَشک در تب سرد، آنگهی مرا

کردند پوستین و نکردم عتابشان*
* دشمنان خاقانی بیمارند و به تب و لرز گرفتار، درباره من (خاقانی) بدگویی کردند (پوستین کردند)، ولی من آنها را سرزنش نکردم.
تب گرم:

روز پنجم، به تب گرم و خوی سرد افتاد
شب هفتم، خبر از حال دگر بازدهید
سرد است زهر عقرب و از بخت من مرا
تب‌های گرم زاد ز زهر جفای ری*

لطفاً به این مقاله از ۱ تا ۲۰ امتیاز دهید و به شماره پیامک مجله (۳۰۰۰۷۸۳۸) ارسال فرمایید.

کد مقاله: ۶۸۰۱ نحوه امتیازدهی: امتیاز - شماره مقاله

منابع

۱. افشاری ر، یاحقی م ج. آموزش پزشکی بر اساس شاهنامه "نیک‌آموز پزشکی". مشهد: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد؛ ۱۳۹۱.
۲. افشاری ر. جایگزینی سیمرغ پارسی به عنوان نشان پزشکی به جای مار پیچیده لاتینی. مجله سازمان نظام پزشکی مشهد. ۱۳۹۳؛ ۱۸: ۵۰.
۳. خسروپناه ع، میرزایی ر. چیستی انسان شناسی. انسان پژوهی دینی. ۱۳۸۹؛ ۷: ۶۳-۳۵.
۴. ریپسی م، مصطفوی ف، حسن زاده ا، شریفی راد غ. رابطه سواد سلامت با وضعیت سلامت عمومی و رفتارهای بهداشتی در سالمندان شهر اصفهان. تحقیقات نظام سلامت. ۱۳۹۰؛ ۷: ۸۰-۴۶۹.
۵. سجادی س ض. شاعر صبح. چاپ سوم. تهران: انتشارات حیدری؛ ۱۳۷۴.
۶. کزازی م. دیوان خاقانی شروانی، گزارش دشواریها. تهران: نشر مرکز؛ ۱۳۷۸.
۷. بهنام‌فر م. خاقان اقلیم سخن: بررسی عناصر فرهنگ عامه در قصاید خاقانی. تهران: قهستان؛ ۱۳۹۰.
۸. الاخوانی البخاری ا ر. هدایه المتعلمین فی الطب. چاپ دوم. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۱۳۷۱.